

# ازتداد، مرتد مجازات و آن در شریعت

تالیف:

دکتر یوسف قرضاوی

ترجمه و تحقیق:

بهنام سلیمی



مکتب احسان

قرضاوی، یوسف، ۱۹۲۶ - م  
ارتداد، مرتد و مجازات آن در شریعت / تألیف یوسف قرضاوی؛ ترجمه و تحقیق  
بهنام سلیمی، -- تهران: نشر احسان، ۱۳۸۶.

ISBN: 978-964-356-503-9

[۹۵] ص.  
فهرستویسی بر اساس اطلاعات فیبا.  
عنوان اصلی: جریمه الزده و عقوبه المرتد فی ضوء القرآن و السنه.  
کتابنامه: ص. [۹۵] همچنین بصورت زیرنویس.  
۱. ارتداد. الف. سلیمی، بهنام، ۱۳۴۲ - ، مترجم. ب. عنوان. ج. عنوان:  
مرتد و مجازات آن در شریعت.

۲۹۷/۳۷۷

BP ۱۹۶/۵/۴۱ ج ۲

۱۳۸۶

۸۴-۲۹۷۱۶

کتابخانه ملی ایران

## ارتداد، مرتد و مجازات آن در شریعت

✦ مؤلف:	دکتر یوسف قرضاوی
✦ مترجم:	بهنام سلیمی
✦ ناشر:	نشر احسان
✦ تیراژ:	۲۰۰۰ جلد
✦ نوبت چاپ:	اول - ۱۳۸۶
✦ چاپ:	چاپخانه مهارت
✦ قیمت:	۸۵۰ تومان

◀ فروشگاه شماره ۱: تهران - خیابان انقلاب - رویروی دانشگاه - مجتمع فروزنده - شماره ۲۰۶ - تلفن: ۶۶۹۵۲۰۲

◀ فروشگاه شماره ۲: تهران - خیابان ناصر خسرو - کوچه حاج نایب - شماره ۳۳ - تلفن: ۳۳۰۳۷۵۰

صندوق پستی: تهران ۳۸۵ - ۱۱۳۹۵

ISBN: 978-964-356-503-9

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۵۶-۵۰۳-۹



نشر احسان

## فهرست مطالب

۷	مقدمه مترجم
۱۵	گزیده‌ای از زندگانی مؤلف
۱۹	مقدمه مؤلف
۲۳	جامعه ایمان و عقیده
۲۴	شهادتین، عنوان عقیده اسلامی
۲۸	ارکان بنیادین توحید
۲۹	رکن اول: تنها خداوند را پروردگار بدانی
۳۱	رکن دوم: تنها خداوند را سرپرست خود بدانید
۳۳	رکن سوم: تنها خداوند را قاضی بدانید
۳۶	معنی محمد رسول الله ﷺ
۳۹	پیروی از رسول خدا ﷺ برگرفته از پیروی خداوند است
۴۰	تو دید منافقان در پذیرش حکم خدا و رسول او
۴۳	حاکمانی که به غیر "ما انزل الله" حکم می‌کنند
۴۸	دو نکته قابل توجه و مهم
۵۰	حمایت جامعه اسلامی از عقیده اسلامی
۵۶	جامعه مسلمان و مقابله با ارتداد

۶۴	راز سخت‌گیری در مجازات ارتداد
۶۸	امور مهمی که لازم است رعایت شوند
۷۲	اعتراضهای قابل نقض بعضی از معاصران
۷۷	ارتداد حاکم
۷۹	ارتداد پنهان
۸۳	«تحقیق و کاوشی در دیدگاه برخی از اندیشمندان»
۸۵	دیدگاه راشد الغنوشی
۹۳	دیدگاه فهمی هویلی
۹۵	دیدگاه دکتر عبدالکریم سروش
۹۹	دیدگاه محمد منیر ادلیبی
۱۰۳	منابع و مأخذ

## مقدمه مترجم

دست قدرت خداوند جهان را آفرید و تمام اجزاء آن را در مسیر نیل به اوامر خود سوق داد، به آن‌ها حرکت بخشید و به حرکتشان جهت داد تا باشند همانطور که او می‌خواهد. پس مجموعه عوامل این دایره امکان از خرد تا کلان، خواه ناخواه مطیع خواست اویند. در میان این آفریده‌های گوش به فرمان، آدمی را آفرید که قدم در عرصهٔ این جهان نهد و گوش جان به فرمان آن حکیم رحمان بسپارد؛ چرا که رسیدن به کمال و سعادت تنها با قدم نهادنی آگاهانه و آزادانه در مسیر بندگی خدا میسر است.

انسان با تکیه بر ودیعه‌های منحصر به فرد خداوندی یعنی ابزار شناخت و قوهٔ تفکر و انتخاب باید بر پیرامون خود نظاره‌گر باشد و آثار آفاق و انفس را دریابد و سپس دربارهٔ آنها دست به تجربه و تحلیل بزند و بر حسب اراده و انتخاب، بهترین‌ها را برگزیند آدمی بر اساس این گزینش‌ها اندیشه و باور خود را شکل می‌دهد و بنیاد اعتقاد خود را استوار می‌گرداند آنگاه می‌خواهد این افکار و عقاید را به دیگران منتقل سازد. دنیای کهن و معاصر همیشه عرصهٔ این تأثیر و تأثرات بوده و انسان

به خاطر انسان بودنش، تار و پود اعتقادات خود را اینچنین شکل داده است و لازمهٔ این چرخهٔ تبادل اندیشه، وجود آزادی در این عرصه می‌باشد و قوام انسانیتِ انسان به همین آزادی است و سلب آزادی بیان به معنی نفی انسانیت است. مصلحان عالم و در رأسشان انبیای الهی قائل به آزادی بیان و اندیشه برای بشر بوده‌اند. نه تنها روح آیات الهی با آزادی در جوامع بشری سازگار است بلکه قرآن مخاطبین خود را به آزادگی و آزادمنشی دعوت می‌نماید. ﴿لَا اِكْرَاهَ فِي الدِّينِ﴾ بیانگر نگرشی عمیق در اتصال روح آدمی به دین خداست که مسلماً اکراه در پذیرش دعوت الهی با این اتصال روح منافات دارد بنابراین، ایمان مقوله‌ای انتخابی و اکتسابی است که آزادی در ارتباط با آن نقش کاملاً تعیین‌کننده‌ای دارد و اجبار و اکراه با ماهیت ایمان سازگار نیست و هرگز جوانه‌های ایمان در شوره زار استبداد نمی‌روید. «اگر پروردگارت می‌خواست تمام مردمان کرهٔ زمین جملگی ایمان می‌آوردند [اما ایمان اجباری و اضطراری به درد نمی‌خورد] آیا تو «ای پیامبر» می‌خواهی مردمان را مجبور سازی که ایمان بیاورند.»<sup>(۱)</sup>

یقیناً باید بسترگرایش به ایمان در جامعه حاصل آید تا مردم عالمانه و آگاهانه به آن سو بروند و نهال ایمان که در چنین شرایطی بروید به درختی تنومند بدل می‌گردد که هیچگاه وزش بادهای و طوفانهای بی‌ایمانی، شرک و ارتداد بر آن مؤثر واقع نمی‌گردد.

تداد به عنوان یک بیماری روانی گاه و بیگاه در جامعه اسلامی اثر  
 ته و بدون شک ایجاد و رشد آن دلایلی دارد که با آسیب‌شناسی  
 دینی و باورهای ایمانی می‌توان به پاره‌ای از آنها رسید. گاه سایه  
 ایمان به صورت شک و تردید در میان افراد تجلی می‌یابد که بعضاً  
 اند تا اندازه‌ای طبیعی هم باشد به تعبیر دیگر: شکی که آدمی را به  
 تصحیح باورها و تحکیم اعتقاد پیش برد نه تنها منفی نیست بلکه  
 عافیت‌مندانه از این گذرگاه تأثیراتی مثبت هم به دنبال خواهد داشت  
 بیچگاه نباید شرایطی را که باعث این شک و تردید می‌شود فراموش  
 را تحکم در دین‌گرایی به طور کلان در جامعه و خشک مقدسی در  
 خانواده و پرخاشگری و عتابها بر فرزندان به نام انتقال ارزشهای  
 خود می‌تواند بستری بسیار مهیا برای رویش این تردیدها گردد و از  
 دیگر تبلیغات مسموم قسم خوردگان دین ستیز نیز عاملی قابل  
 در ایجاد بسترهای ناسالم و رویش افکار دین‌گريزانه خواهد بود.

با ارتداد در واقع نه گفتن است به باورهای ایمانی گذشته و سخن  
 است که گوینده این نه، مستحق چه مجازاتی است. آیا مجازاتی  
 و غیر قابل تغییر در این باب وجود دارد و یا اینکه احکام حکومتی  
 افراد بنا به مقتضیات زمان جاری می‌گردد. به دیگر سخن اینکه اگر  
 رگفتن، آزادی دارد آیا در گفتن این نه هم آزادی دارد؟ آیا گوینده  
 محکوم به مرگ است؟ در سطحی بالاتر آیا عقیده بر جان مقدم  
 یا جان بر عقیده؟ نظر و دیدگاه پیشینیان در این مورد چه بوده است  
 صریح چه می‌گویند؟

قبل از هر چیز باید گفت که برای اهل ایمان بسیار سخت و دردآور است افرادی را مشاهده نمایند که آشکارا بر رحمان رحیم ناسپاسی می‌کنند و خصیم مبین او می‌گردند اما باید دانست که دردمندانه زیستن و غصه جاهلان را خوردن و سلام را مقابل خطاب جاهلانه‌شان بر زبان جاری کردن عین ایمان است. اما از سوی دیگر بیان حکمی قاطع و جامع در این ارتباط دقت بسیار می‌طلبد.

در اینجا لازم است که ابتدائاً دیدگاه پاره‌ای از ادیان را در این باره مطرح نمائیم: مجازات مرتد در آیین مجوس اعدام بود به همین دلیل ازدواج با بیگانگان و مرتدان در این آیین ممنوعیت داشته است. در کتاب تاریخ طبرستان بر اساس نامه موبد موبدان در زمان اردشیر آمده که: در آیین مجوس هر که مرتد می‌شده است، عاجلاً او را می‌کشتند، اما اردشیر بابکان شاهنشاه ایران گفت: چنین کسی را به حبس باز دارند و علما به مدت یک سال به هر وقت او را خوانند و نصیحت کنند و براهین بر او عرضه نمایند و شبهه را زایل گردانند اگر توبه کرد او را خلاص کنند و اگر اصرار و استکبار نمود آنگاه او را بکشند. به هر حال توبه و بازگشت در آیین مجوس پذیرفته بوده و باعث رستگاری فرد مرتد می‌گشته است. فردوسی در این مورد می‌گوید:

که هر کس که از کردگار بلند	که زردشت گوید به استا و زند
همان مایه سودمندش دهید	بیچید به یک سال پندش دهید
کشیدش به خنجر به فرمان شاه	پس از سال اگر او نیاید به راه



کیفر مرتد از نظر تورات قتل است چه توبه کند چه توبه نکند و در تورات از رفع عقوبت ارتداد به وسیله توبه سخنی به میان نیامده است. در سفر خروج تورات (باب ۳۲) درباره ارتداد در آیین یهود آمده است: «زمانی که حضرت موسی علیه السلام برای نزول تورات در کوه طور معتکف شده و مدت غیبت او به طول انجامید بنی اسرائیل به هارون مراجعه کردند و از او خواستند تا خدای مجسمه برای آنان قرار دهد و لذا هارون (!!) از آنان خواست هر چه جواهر آلات نزد خویش دارند بیاورند و آنها چنین کردند و سپس هارون (!) <sup>(۱)</sup> جواهرات را به شکل گوشه‌ای در آورد و بنی اسرائیل آن را پرستیدند و هنگامی که موسی از این انحراف اطلاع یافت سخت بر آشفت و از سوی خداوند (!) فرمان رسید که کاهنان یعنی فرزندان لاوی همه کسانی را که بر غیر خدا سجده کرده‌اند بکشند و چنین شد (!!) و در آن روز سه هزار نفر از بنی اسرائیل کشته شدند.»

گویند مسئله ارتداد از طریق تورات در میان مسیحیان نیز راه یافته و همه دانشمندان مسیحی تا قبل از پیدایش پروتستان مجازات مرتد را اعدام می‌دانسته‌اند... کلیساهای پروتستان امروز مؤمنان را از مصاحبت با افرادی که در عرصه مخالفت و رد کلیسا هستند منع نمی‌کنند... و گویند کلیساهای اولیه همیشه بین مرتدانی که به طور لجاجت بر ارتداد پافشاری می‌کردند و مرتدانی که عقیده آنها صرفاً بر اثر اشتباه بوده یا در ارتداد به دنیا آمده‌اند (پدر و مادر آنها مرتد بوده است) فرق

۱- البته این ماجرا از نظر قرآن قابل قبول نیست.

می گذاشته‌اند. همچنین مرتدان صلح جو را از مرتدانی که عقایدشان پدید آورنده اغتشاش و بی‌نظمی بوده تفکیک می‌کرده است.

دکتر دونا ارسوتو، استاد دانشگاه اسقفی گرگوریان در رم در ضمن مقاله خود که دیدگاه مسیحیت کاتولیک را در باب آزادی منعکس می‌کرد بیان و تشریح نمود که: «هیچ زن و مردی را نباید مجبور کرد خلاف اعتقادات خود عمل کند و هیچ کس را نباید از عمل به اعتقادات دینی اش چه در خلوت و چه در اجتماع، چه اعمالی که به تنهایی انجام می‌دهد یا اعمالی که با دیگران انجام می‌دهد منع کرد این آزادی دینی دقیقاً برخاسته از کرامت انسانی است.»<sup>(۱)</sup> البته این دیدگاه یعنی عقیده به آزادی دینی مسلماً با عقاید سنتی کلیسای کاتولیک فرق دارد مسیحیان به خصوص در قرون وسطی اجازه نمی‌دادند که کسی حتی در چارچوب عقاید مسیحی بدعتی بیاورد چه رسد به این که از مسیحیت روی بگرداند و به دینی دیگر بگردد.

بنابراین می‌بینیم که آیین مجوس (قبل از اردشیر) و یهودیت در مقابل مرتدان شدت عمل بیشتری از مسیحیان به خصوص مسیحیان پروتستان دارند.

در دین اسلام هم مسئله ارتداد و بازگشت از دین (همانطوری که اشاره شد) یکی از مسائلی است که متفکران و عالمان دینی و روشنفکران دوران مختلف را به خود مشغول کرده و آن را از جهات مختلف مورد

۱- این مطالب جزء اعتقادات ژان بیست و سوم نیز بوده است که در سال ۱۹۶۳ م سه هفته پیش از مرگ خود در ضمن نامه اسقفی خود آن را بیان نموده است.

مداقه قرار داده‌اند. عده‌ای بر این اعتقادند که تغییر نظر و فکر از نظر قرآن هیچ مجازاتی ندارد چرا که قرآن هیچگونه زور و اکراهی را برای تحمیل دین نمی‌پذیرد پس چگونه می‌تواند برای تحمیل دین به کسی که می‌خواهد تغییر نظر دهد او را به مجازات، آن هم مرگ، محکوم نماید. قائلان این رویکرد همچنین توضیح می‌دهند که در قرآن به صراحت و نه یک بار، بلکه چندین بار مسلمان و کافر شدن و رفت و برگشت بین اسلام و کفر برخی افراد یاد شده است، اما هیچ مجازات دنیوی برای آنان مقرر نگردیده است. دیدگاه مشابه دیگری در این مورد می‌گوید: انسان منهای عقیده و قبل از عقیده و همچنین منهای ملیت و قبل از آن و منها و قبل از هر عنصر دیگری می‌تواند مورد توجه و ارزشگذاری قرار گیرد در این صورت اتهام ارتداد در نوردیدن مرزهای کرامت انسان است. به هر حال آیات متعدد قرآن که در سوره‌های مختلف<sup>(۱)</sup> آمده هیچ کدام درباره مجازات فرد مرتد به علت ارتدادش حکم به اعدام نمی‌نمایند؛ بلکه مجازات مرتد به خداوند واگذار می‌شود البته تا وقتی که فرد مرتد، محارب با دین نبوده و مبادرت به فساد ننماید که در آن صورت آیه ۳۳ سوره مائده حد مجازات او را روشن می‌نماید. البته در معرفت دینی باید حوزه دین را از قرائت و استنباط‌های دینی جدا کرد چرا که اینها دو مقوله‌اند و یقیناً قرائت افراد از دین قداس خود دین را ندارد و البته این دیدگاه‌ها قابل نقد، بررسی و نفی نیز می‌توانند باشند متأسفانه تاریخ خالی نیست از تفتیش

۱- بقره / ۲۱۷، نساء / ۱۳۷، محمد / ۲۵، مائده / ۵۴، نحل / ۱۰۶، آل عمران / ۱۴۴، آل عمران / ۷۲، آل عمران / ۸۶ - ۹۱ و بقره / ۱۰۸.

عقاید و یا در تنگنا انداختن افرادی که تیغ نقدشان را بر پیکر قرانات دینی گذارده‌اند و بعضاً تاوان بزرگی در این راه پرداخته‌اند، زیرا در گذر تاریخ بسیاری از اوقات استنباطها و آراء فقهی افراد آنچنان قداستی یافته است که قرن‌ها دیگران تنها به نقل این نظرات پرداخته و هیچگاه جرأت نقد و یا حتی تکمیل آنها را به خود نداده‌اند. و گاه پا را فراتر نهاده و منتقدین اینگونه آراء را خروج کنندگان بر دین تلقی نموده‌اند.

به هر حال به نظر نگارنده ارتداد یکی از این مقولات است که بحث در مورد آن نیاز فراوان به تأمل و دقت دارد و لذا به ترجمه کتاب جریمه الردة و عقوبة المرتد فی ضوء القرآن و السنة نوشته دکتر یوسف قرضاوی پرداخته و سپس به ارائه دیدگاه‌های برخی اندیشمندان دیگر مبادرت نمودم.

از خداوند بزرگ خواهانیم که بتوانیم حق مطلب را به جای آورده و گامی کوچک در مسیر تنویر اذهان، به خصوص نسل جوان در این باره برداریم.

در اینجا لازم می‌دانم که از همسر گرانقدر و اندیشمندم سرکار خانم احمدی که مرا در ویراستاری این کتاب و کتابهای خردورزی در دین، زن مسلمان و تکالیف و برخورداریها یاری دادند، کمال تشکر و قدردانی را بنمایم.

من الله التوفیق و علیه التکلان

بهنام سلیمی، پاوه

۸۳/۸/۲۰

## گزیده‌ای از زندگانی مؤلف

یوسف قرضاوی در مصر به دنیا آمد و همانجا پرورش یافت، قرآن را سالگی فرا گرفته و آن را به خوبی خوانده و حفظ نمود و در "ازهر" سیلاتش را کامل کرد.

در سال ۱۹۵۳ م از دانشکده اصول دین موفق به اخذ مدرک لیسانس و در سال ۱۹۵۴ م اجازه تدریس یافت که در هر دوزمینه حائز رتبه گشت. در سال ۱۹۷۳ م مجدداً با رتبه اول به مدرک دکترای نیز نایل پس از فارغ التحصیلی جهت حمایت از امور دینی در اداره اوقاف و فرهنگ اسلامی ازهر مشغول به کار شد.

سپس به قطر رفت و مسئول دانشگاه علوم دینی و رئیس و بانی مطالعات اسلامی در دانشکده‌های تربیتی و دانشکده الهیات و معارف اسلامی شد و همچنین مسئولیت تأسیس مرکز پژوهشهای اسلامی و سیره به او محول گشت و مدیریت آنجا را بر عهده گرفت که هنوز بر عهده اوست.

از همان دوران جوانی در مصر به دعوت (مردم به سوی دین خدا)

و به مشارکت با حرکت اسلامی پرداخت و در راه دعوت، در دوران "ملکی و انقلاب"<sup>(۱)</sup> بارها به زندان افتاده و مورد شکنجه قرار گرفت.

ایشان فعالیت‌های متنوعی بر اساس تنوع استعدادهایش دارد. سخنانش بسیار تأثیرگذار است، چنان‌که خرد را قانع کرده و بر دل می‌نشیند. نویسنده‌ای است توانمند که نه عقایدش را به دیگران تحمیل می‌کند و نه خود از دیگران تقلید می‌نماید. فقیهی است که صلابت رأی و میانه‌روی او زبانزد می‌باشد، فتاوایش شرق و غرب را در نور دیده و عالمی راسخ در شاخه‌های مختلف علوم اسلامی و جامع دانش "اهل نظر" و "اهل اثر"<sup>(۲)</sup> است. اشعارش توسط جوانان و گروه‌های اسلامی در شرق و غرب جهان اسلام در قالب سرود زمزمه می‌شود.

آثارش بیش از پنجاه مورد و دارای مقبولیتی عام در جهان اسلام است و برخی از آنها دهها بار به زیور طبع آراسته شده، تعداد زیادی به زبانهای کشورهای اسلامی ترجمه شده است و به باور کسانی که درباره‌ی ایشان مطالبی نگاشته‌اند وی از انگشت شمار متفکران مسلمانی است که میان اصول ثابت شریعت و مقتضیات زمان توافق حاصل کرده و نوشته‌هایش از دیگر نوشته‌ها از نظر دقت فقیهانه و اشراف ادیبانه و دیدگاه نوگرایانه و شور و حرارت داعیانه متمایز است.

۱. اشاره به دوران پادشاهی ملک فاروق در مصر و انقلاب سال ۱۹۵۲ در این کشور می‌باشد. (م)

۲. اهل نظر به معنای علمای نو اندیش و اهل اثر به معنی علمای حدیث شناس است. (م)

در بسیاری از مجامع و مؤسسه‌های علمی، دَعْوَى، عربی، اسلامی و جهانی از جمله: جمعیت فقهی "رابطة العالم الاسلامیة" در مکه، "المجمع الملکی" در پژوهش‌های تمدن اسلامی در اردن، مرکز "الدراسات الاسلامیة" در آکسفورد، مجلس "أمناء الجامعة الاسلامیة العالمیة" در اسلام آباد و "منظمة الدعوة الاسلامیة" در خرطوم... عضویت دارد و سرپرست هیئت بازرسی شرعی در تعدادی از بانک‌های اسلامی است.

به بسیاری از سرزمین‌های اسلامی در آسیا و آفریقا سر زده و جمعیت‌ها و اقلیت‌های اسلامی را در سایر قاره‌ها از نزدیک ملاقات کرده، تعدادی از دانشگاه‌های اسلامی و جهانی از او برای سخنرانی دعوت به عمل آورده‌اند هم‌چنین در بسیاری از کنگره‌ها و مجالس علمی در داخل و خارج جهان اسلام مشارکت نموده‌اند.

ایشان از سرآمدترین دعوت‌گران میانه‌روی است که جامع سلفیت و تجدد می‌باشد و ترکیبی از فکر و حرکت را ایجاد نموده و بر فقه سنن و فقه مقاصد و فقه اولویات تأکید کرده و میان ثوابت اسلام و متغیرات زمان تعادل ایجاد کرده است، به هر (دیدگاه) قدیمی مفید تمسک می‌جوید همانگونه که به هر (دیدگاه) جدید شایسته‌ای خوش آمد می‌گوید دیدگاه‌های جدیدی که از گذشته الهام گرفته، با حال زندگی می‌کند و به آینده می‌نگرد.

## مقدمه مؤلف

سپاس از آن خداوند است و بس و درود بر پیام آورانش کسانی که خداوند آنان را برگزید و سلام بر منتخب آخرین محمد ﷺ و بر خاندان و یارانش و بر آنانی که بدان بزرگواران اقتدا نموده و ره یافته راه هدایت شدند.

پیرامون «ارتداد» و «مرتد» و مجازات آن در شریعت اسلام فراوان سخن گفته شده و در این عرصه چه کسانی که اهلیت داشته‌اند و چه آنانی که اهلیتی نداشته‌اند وارد شده‌اند. عده‌ای معتقدند: قرآن در هیچ آیه‌ای به بیان این جرم نپرداخته است.

عده‌ای دیگر نیز گفته‌اند: در مورد مجازات مرتد تنها یک حدیث واحد آمده است که عبارت است از: «هر کس دینش را تغییر داد او را بکشید». سعی این افراد بر کاستن اعتبار این حدیث بوده است و نیز عده‌ای کوشیده‌اند که از اهمیت این جرم و خطرش برای جامعه بکاهند. و در این راستا میان پنهان کننده ارتداد و آشکار کننده آن و میان دعوت کننده به سوی ارتداد و کسانی که تنها در ذهن، این اعتقاد را دارند و میان ارتداد سطحی و ارتداد افراطی تفاوتی قائل نشده‌اند.



در این کتاب کوچک تلاش می‌کنیم آنچه را که حق است روشن نماییم؛ چرا که در این باب حق و باطل به وسیله منتقدین با هم در آمیخته و مطلب در هم و برهم گشته است. تکیه گاه ما در این (کتاب) نصوص قرآنی، سنت صحیح پیامبر، فهم صحابه و اقوال منتقدین امت است. برخلاف گمان مدعیان، بر ما آشکار است که قرآن از بیان جرم ارتداد و مجازات آن غفلت نورزیده است.<sup>(۱)</sup> و نیز تنها یک حدیث واحد در مورد مجازات مرتد وارد نشده بلکه احادیثی متعدد از تنی چند از صحابه رسول خدا ﷺ در این باره روایت شده است.

در این کتاب همچنین خطر ارتداد برای جامعه را روشن می‌نماییم و اینکه ارتداد نه تنها جامعه را به تفرقه و پارچه پارچه شدن می‌کشانند و آن را در آشوبی بی حد و حصر قرار داده؛ بلکه باعث جنگی خانگی می‌گردد که در آن مردم قتل عام می‌شوند و مملکت به نابودی کشیده شده و تر و خشک با هم می‌سوزند. در مورد مرتد عادی که در جهت مرتد نمودن جامعه و روی برگرداندن افراد جامعه، تلاشی نمی‌کند نیز این باور را داریم که مجازات حبس برای او کافی است و باید در جهت اقناع او و بر طرف نمودن ابهام و سردرگمی فکری اش برآمد همان طوری که این روش از عمر بن خطاب رضی الله عنه به تأیید رسیده و نیز این نظریه، دیدگاه دو امام بزرگوار یعنی ابراهیم نخعی و سفیان ثوری می‌باشد.

۱- البته مسلم است که این دیدگاه اندیشمند گرانمایه جناب دکتر قرضاوی است ولیکن بعضی دیگر از علما که متعاقباً دیدگاهشان خواهد آمد برخلاف این دیدگاه معتقدند که تنها مجازات اخروی در آیات قرآن برای مرتدین قید شده است مگر اینکه ارتداد را به جرم دیگری مثل قتل آمیخته باشند. (م)

از خداوند می‌خواهم که این کتاب کوچک را مفید واقع گرداند و به وسیله آن، گمگشتگان طریق را روشنی راه بخشد و همه ما را به راه راست هدایت نماید.

دکتر یوسف قرضاوی

\* \* \*

www.ketab.ir